

اخلاق معلمی از منظر آیات و روایات

عید محمد فقیری^۱

محمد کریم امیری^۲

چکیده

از دیدگاه اسلام مهم‌ترین رسالت یک معلم تربیت درست متعلم است. در آیات و روایات هم جایگاه بسیار رفیع و هم مسئولیتی بسیار خطیر برای او ذکر شده تا آنجا که وظیفه او، شغل انبیا دانسته شده است. لذا این مسئولیت خطیر فرهنگی و تعلیمی ایجاب می‌کند که معلم باید واجد خصوصیات و اخلاق حسنه باشد تا بتواند در امر آموزش و تربیت موفق شود. این مقاله در پی چستی و تبیین و تحلیل اخلاق معلمی از منظر قرآن و روایت است که با روش تحلیلی و توصیفی تدوین شده است. هدف از این تحقیق کارآمد سازی آموزه‌های قرآنی در زمینه تعلیم و تربیت برای جامعه مخاطب است که به صورت بسیار جزئی، اخلاق معلمی را بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شایسته و موفق باید معلم دارای بایسته‌های اخلاقی چون خلوص نیت در برابر خداوند و دارای صلاحیت علمی، فروتنی و عطف و حلم در برابر جامعه و مخصوصاً متعلمان خود باشد و برخی رفتارهای ناپسند و با پیامدهای بد، به شدت پرهیز کند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، معلم، اخلاق معلمی، قرآن کریم، روایات

۱. گروه تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، کابل، افغانستان.

۲. گروه قرآن و علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، سرپل، افغانستان.

مقدمه

اسلام به‌عنوان دین خاتم، دربرگیرنده کلیه جوانب زندگانی و شامل راه‌حل‌های تمام دشواری‌هایی است که انسان در زندگی با آن مواجه می‌شود. احکام آن مشتمل بر همه فعالیت‌ها و جوابگوی تمام خواسته‌های بشری است که با طبیعت و ویژگی‌های زندگانی هماهنگ است. برای رساندن این احکام و این همه انعامات، خداوند پیامبرانش را فرستاد. در حقیقت پیامبران معلمان بشر در روی زمین بودند تا راه درست زیستن و مکارم اخلاق و تزکیه نفس را به مردم بیاموزند. (رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ). (بقره: ۱۲۹)

۱. معنای اخلاق

اخلاق جمع خُلُق و به معنای خوی و طبع است که می‌تواند نیک (فضیلت) یا بد باشد، ولی از دیدگاه اسلام اخلاق به حسناتی اطلاق می‌شود که در نفس انسان به ودیعت گذاشته شده است. (طبرانی، ۱۴۱۰، ۱: ۲۵۰) به قوا و سجایا و صفات درونی یا مجموعه صفات روحی و باطنی نیز اخلاق گفته می‌شود (اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۵) در اصطلاح اخلاق صورت باطنی انسان است که با تربیت و تعلیم و تحت نظارت قوه مجریه ایمانی، می‌توان آن را در مسیر خیر و صراط مستقیم توجیه و رهبری کرد و آن را تا آنجا ارتقا داد که به ملکه فاضله نفس تبدیل شود. (زیدان، ۱۴۲۴: ۹۱)

۲. اخلاق معلمی

از نظر پیشینیان به معنای معلم بنگریم، معلم کسی است که جامع علوم عصر خود و واضع بخشی از دانش‌ها است. چنانکه به ارسطو که حکمت را تدوین و منطق را گردآوری کرد، «معلم اول» گفته‌اند و ابونصر فارابی را که حکمت یونانی را ترجمه کرد «معلم ثانی» نامیده‌اند. برخی مانند ابن مسکویه و دیگران، ابن سینا را «معلم ثالث» دانسته‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱، ۲۱۷۸)

در فرایند تعلیم و تربیت، معلم چهره شاخصی است که می‌کوشد مهارت‌ها و دانش‌های خود را به‌صورت هدفمند به فراگیران برساند و در آن‌ها تغییر رفتاری ایجاد



نماید. دکتر علی اکبر سیف معلم را کسی می‌داند که «با یک یا چند دانش آموز به رفتار تعاملی می‌پردازد و هدفش این است که در دانش آموز تغییری ایجاد نماید». این تغییر چه شناختی باشد، چه نگرشی و حرکتی، در جامعه انسانی، اساسی‌ترین کار محسوب می‌شود و کسی که این رسالت را به دوش می‌کشد معلم است. معلمی به هرگونه تلاشی که برای هدایت، تکامل و آموزش انسان صورت می‌گیرد، اطلاق می‌شود. از همین رو پیامبران، معلم بشر خوانده می‌شوند. هم‌چنین پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده نسبت به کوچک‌ترها نقش معلم را دارند، ولی در نام‌گذاری گروه‌های مختلفی که وظیفه تعلیم و تربیت را برعهده گرفته‌اند، تنها به یک طبقه «معلم» می‌گویند؛ یعنی همان کسانی که رسالت آموزش و پرورش فرزندان جامعه خود را از دوره و ابتدایی تا آموزش عالی برعهده دارند.

۳. اهمیت تعلیم و تعلم

تعلیم و تعلم از شئون الهی است و خداوند، این موهبت را به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی کرده است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند. چنین شد که تعلیم و تعلم به صورت یک سنت حسنه در منظومه آفرینش انسانی درآمد. معلمین نیز با پذیرش این مسئولیت، نام خویش را در این گروه با صفت مقدس «معلم» ثبت کرده‌اند. معلم سیاهی جهل را از دل‌ها می‌زداید و زلال دانایی را در روان بشر جاری می‌سازد، ایمان را بر لوح جان و ضمیرهای پاک حک می‌کند و ندای فطرت را به گوش همه می‌رساند.

خداوند متعال به عنوان اولین معلم از خلقت و آموزش انسان در پی هدفی است و آن تربیت جانشین برای خود در کره خاکی است. برای تربیت انسانی که شایسته و جانشین خدا باشد، (بقره: ۰۳) خود خداوند در مقام معلم به آموختن مطالبی می‌پردازد که انسان را در مسیر رشد و کمال قرار دهد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»؛ (بقره: ۳۱) خداوند همه اسم‌ها را به آدم آموخت. خواست پروردگار بر این است که بر انسان منت گذارده و زمین و نعمت‌هایش را و پایه‌های علوم را در اختیار انسان



بگذارد تا او با بهره‌گیری از آن‌ها و با پیمودن سیر آفاقی و انفسی به قلّه تکامل و مقام جانشینی الهی برسد.

۴. جایگاه و منزلت معلم در قرآن

معلمی در قرآن به عنوان جلوه‌ای از قدرت لایزال الهی، نخست ویژه ذات مقدس خداوند دانسته شده است و در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است: «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»؛ (علق: ۳-۵) بخوان که پروردگارت کریم‌ترین است همان‌که آموخت با قلم و آموخت به انسان آنچه را که نمی‌دانست.

در این آیات و آیات دیگر (بقره: ۳۱؛ الرحمن: ۴) خداوند، خود را «معلم» می‌خواند و جالب این‌که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده‌ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است. این نشانه ارزشمندی تعلیم است که در کنار آفرینش یاد می‌شود. مهم‌ترین ویژگی انبیای الهی نیز تعلیم مردم است. چنانکه می‌فرماید:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ (آل عمران: ۱۸۴) خداوند بر مؤمنان منت نهاد وقتی در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاک کند و برایشان کتاب و حکمت بیاموزد هرچند پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

در برخی از آیات به صورت استفهام انکاری، به جایگاه تعلیم‌یافتگان اشاره شده که ثمره تعلیم معلمان هستند. می‌فرماید: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ (زمر: ۹) بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، مساوی هستند؟

این آیه تعریفی است بر اینکه عالمان و جاهلان هرگز مساوی نیستند و اگر فلسفه مساوی نبودن عالمان و غیر عالمان را در قرآن جستجو کنیم قرآن می‌گوید:



أَوَّلَا تَنْهَاهَا عَالِمَانِ هَسْتَنْدَ بَهْ مَقَامِ خَشْيَتِ از خدَاوند رَسیده‌اند. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»؛ (فاطر: ۲۸)

از میان بندگان خدا، فقط دانشمندان و عالمانند که از خداوند خشیت دارند.
ثانیاً: بعضی از مسائلی که در قرآن به طور مثال ذکر شده، کسی جز عالمان نمی‌فهمد. «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ»؛ (عنکبوت: ۴۳) یعنی اینها مثل‌هایی است که ما برای مردم می‌زنیم، ولی جز عالمان کسی نمی‌فهمند. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ۱۵: ۱۱)

۵. اوصاف و وظایف معلم

انسان‌ها به‌طور فطری عاشق کمال هستند و بی‌اختیار جذب آن می‌شوند. وقتی شاگردی جذب کمالی از کمالات معلم شود، به‌سوی آن کمال و صاحب‌کمال کشیده خواهد شد. تغییرات اخلاقی با گفتار و پند صورت نمی‌گیرد، بلکه کردار و رفتار انسان‌ها است که موجب دگرگونی دیگران می‌گردد. نخستین نشانه معلم نمونه، برخورداری از روحیه و انگیزه انسان‌سازی برای دین و جامعه است. وظیفه معلم در آیات متعددی از قرآن کریم ذکر شده است که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

دعوت به توحید: شناخت یگانگی خداوند انسان را به کرنش در برابر او وادار می‌کند و به زندگی انسان هدف و معنا می‌بخشد. توحید نخستین اصلی است که سرلوحه شعار همه پیامبران الهی در جوامع بشری بوده است. در فرهنگ قرآنی لقمان در مقام معلمی و تربیت فرزندش که شاگرد او نیز بوده، اولین چیزی که بیان می‌کند، توجه دادن به وحدانیت خداوند است:

يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ؛ (لقمان: ۱۳) پسر من! برای خدا شریک قرار مده؛ زیرا شرک ستمی بزرگ است.

این مسئله بیان می‌کند که هرکسی که در مقام معلمی و تربیت قرار می‌گیرد، باید آغاز و انجام آموزش او برای خدا باشد. باید بکوشد که تفکر خدامحوری را در ذهن‌های پاک و بی‌آلایش شاگردانش بیدار و بارور نماید و روح آنان را به‌سوی مبدأ

نور هدایت که اگر غیر از این باشد، تکلیفشان را به جای نیاورده‌اند.

صلاحیت علمی و هنرمندی معلم: بدون علم و آگاهی هرگز کاری سامان نمی‌یابد و دانستن راه و روش تعلیم از اساسی‌ترین شرط‌های شغل معلمی است. وقتی حضرت موسی^(ع) مأمور شد که نزد معلمی به آموزش بپردازد، خداوند او را به نزد فردی عالم و آگاه‌تر از خودش راهنمایی کرد. قرآن در این زمینه می‌فرماید:

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا؛ (کهف: ۶۵)

موسی و همراهش در ادامه سیر علمی خود [بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت و موهبت عظیمی از سوی خود به او داده و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم. بدون علم و تخصص کافی، هرگز امر تعلیم و تعلم ممکن نخواهد شد. کار معلم انتقال علم و دانشی است که در وجود معلم نهفته است. هر کس که بدون کسب صلاحیت لازم، بخواهد به تعلیم و تعلم بپردازد علاوه بر اینکه موجبات خواری و ذلت خود را فراهم خواهد آورد، لطمات جبران‌ناپذیری نیز به جامعه وارد خواهد کرد. معلم بودن منحصر به معلومات و داده‌های علمی نیست، بلکه معلم باید با هنر معلمی آشنا باشد؛ یعنی بداند چگونه از معلومات خود بهره و با چه زبانی با شاگردان سخن بگوید، چه شیوه‌هایی را در ارتباط با شاگردان در نظر بگیرد و چگونه با شاگردان ارتباط برقرار کند که بهترین اثر تعلیمی و انتقال آگاهی را داشته باشد. فروتنی و گذشت: از ویژگی‌های معلمان موفق، تواضع و گذشت آنان در مقابل خطاهای شاگردان است. عفو و گذشت یک معلم از خطاهای متعلمین می‌تواند هم شخصیت معلم را در برابر دانش آموزان محبوب و دوست‌داشتنی جلوه دهد و هم درس عملی خوبی برای آنان باشد. قرآن کریم حضرت یوسف^(ع) را به داشتن این صفت پسندیده ستایش نموده و آن را به عنوان یک درس عملی برای تمام انسان‌ها آموزش می‌دهد و گفتگوی آن معلم و ارسته انسان‌ها را با برادران خطا کارش این گونه نقل می‌کند:

«قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ»؛ (یوسف: ۹۱) برادران گفتند به خدا سوگند که خداوند تو را بر ما برگزید و برتری داد. حقیقت این است که ما خطا



کار بودیم. قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ (یوسف: ۹۲). یوسف (با بزرگواری) گفت: امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است.

عدالت در بین شاگردان: عدالت در بین شاگردان از مهم‌ترین صفات یک معلم است که همیشه باید در نظر داشته باشد.

طلحه بن زید در تفسیر آیه «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»^۱ (لقمان: ۱۸) از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: لیکن الناس فی العلم سواء عندک؛ یعنی باید همه مردم از لحاظ دریافت‌های علمی در دیدگاه تو، مساوی و برابر باشند و باید سهم و بهره از علم را به‌طور مساوی به آن‌ها پردازی و در میان آن‌ها تبعیض روا نداری.

پس به معلم لازم است که عدالت را همیشه در بین شاگردان در نظر بگیرد. چون پیامبر اعظم (ص) با هدف تکمیل و تقسیم مکارم اخلاقی، اجرای عدالت را سرلوحه رسالت خویش قرار داد و مساوات و برابری و اخوت را محقق ساخت؛ اما فقط به جنبه اخلاقی و نصیحت و دعوت ایمانی بسنده نکرد، بلکه موجبات کینه‌ها و حسدها و انتقام‌جویی‌ها و تبعیضات حقوقی را از بین برد و وحدت و یگانگی اجتماعی را در جامعه‌ای متوازن به وجود آورد. پس بر معلمین لازم است که در بین شاگردان عدالت همیشه در نظر بگیرند. (مطهری، ۱۳۹۱، ۲: ۱۱۹)

عطوفت و مهربانی: از نشانه‌های معلمان شایسته رأفت و محبت آنان نسبت به شاگردان است. اگر معلمی در جلسه درس رفتار خشن، تکبرآمیز و همراه با زور و تهدید در پیش بگیرد، هرگز در امر تربیت توفیق نخواهد یافت. در مقابل مهرورزی، فروتنی و نرمش وی در برخورد با شاگردان، دل و ذهن آنان را به او متمایل کرده و با تمام وجود آموخته‌های او را دریافت خواهند کرد. خداوند این رمز توفیق در امر تعلیم و تربیت را این گونه به پیامبر خود یادآور می‌شود:

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ (شعراء: ۲۱۵) و بال و پر خود را برای

۱. متکبرانه روی از مردم برمگردان و در زمین با غرور راه مرو. همانا خدا هیچ خودپسند فخر فروش را دوست ندارد.

مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند، بگسترانند و نسبت به آنان، متواضع و فروتن باش. اساس یادگیری بر مبنای احساس خوشایندی و ناخوشایندی است. اگر آموزش همراه با احساس خوشایندی باشد، پرجاذبه و پایدار خواهد بود و الا نتیجه مطلوب نخواهد داد. مهربانی و عاطفه لازمه شغل معلمی است. خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ (آل عمران: ۱۵۹) پس به برکت رحمت الهی با آنان نرم خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی به یقین از پیرامونت پراکنده می‌شدند.

این صفت نرم‌خویی اگر با کار آموزشی و تربیتی معلم همراه شود، قطعاً به نتیجه مطلوب خواهد رسید.

حلم و عفو: گفته شده «الحلم هو الطمأنينة عند سورة الغضب؛ حلم همان حفظ خونسردی و آرامش وقت غلیان غضب است». برخی هم حلم را «تأخیر مکافأة الظالم؛ به تأخیر انداختن مجازات متجاوز» دانسته‌اند. معلمی کار سختی است و اگر شوق و علاقه معلم نباشد، تن دادن به این وظیفه سخت کار هرکس نیست. لذا بردباری و کنترل غضب برای معلم یک ضرورت است؛ زیرا با توجه به مخاطبان کودک و نوجوان یا حتی جوان معلم، اگر او نتواند خشم و غضب خود را کنترل کند یا آرامش کافی نداشته باشد، در کار خود موفق نخواهد بود. ابوحامد غزالی در احیاء العلوم الدین نوشته است: «اعلم! أن الحلم محمود فی محله، والعفو مستحسن إذا استعمل مع أهله؛ بدان که حلم در جای خود و بخشیدن هم در جای خود و برای مستحقین، خوب است نه همیشه».

خداوند متعال (ج) در مورد اهمیت عفو می‌فرماید: «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»؛ (بقره: ۲۳۷) و اگر ببخشید، به تقوا نزدیک‌تر است.

هم‌چنین فرمود:

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ (آل عمران: ۱۳۴) همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم



خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد. چنانکه پیداست در این آیه یک دسته از محبوبان خدا، کسانی هستند که خشم خود را فرو می‌خورند. معلم با توجه به اقتضائات شغلش، بیشتر در معرض خشم قرار دارد؛ اما اگر آن را کنترل کند، یکی از محبوبان خدا خواهد بود.

۶. ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی معلم

ویژگی‌های رفتاری معلم، به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱- ۶. ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی معلم نسبت به خودش

مدرّس برای کسب موفقیت در عرصهٔ تعلیم باید صفات و ویژگی‌هایی داشته باشد که در ذیل برمی‌شماریم:

الف. کسب اطمینان از صلاحیت خویش در امر تعلیم: مدرّس باید صلاحیت علمی و مهارت و شایستگی خویش برای پذیرش چنین مقامی اطمینان حاصل نماید. آن‌که بیش از داشته‌های خود می‌نماید، چون کسی است که لباس دروغین پوشیده است. (قراملکی، ۱۳۸۸: ۸۸)

ب. عمل به دانسته‌های خود یا کارآمدسازی علم در عرصهٔ عمل: مدرّس باید عامل به علم خود باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اتَّأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»؛ (بقره: ۴۴) آیا مردم را به احسان و نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌سازید؟ به استناد این آیه می‌توان گفت که علمای خداشناس کسانی هستند که گفتارشان با کردارشان سازگار است و اگر کسی گفتارش با کردارش هماهنگ نباشد به او عالم اطلاق نمی‌شود.

ج. تواضع و حسن خلق: معلم برای تهذیب و تزکیه خویش و همچنین از آنجایی که اسوه و الگو برای شاگردان خویش محسوب می‌شود، باید با شاگردان و متعلّمان خویش متواضع، فروتن و خوش خلق باشد.

۲- ۶. ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی معلم نسبت به شاگردان

الف. ایجاد اگیزه دینی و تربیتی: نخستین وظیفهٔ مورد اهتمام معلم در رابطه با



شاگردانش، این است که آنان را تدریجاً و گام‌به‌گام به آداب پسندیده اخلاقی و اجتماعی و نیز آداب و آموزه‌های دینی آشنا کند. انس و عادات به صیانت نفس را در تمام شئون آشکار و نهان زندگی آنان ایجاد کند. به‌ویژه اگر احساس کرد که شاگردان وی از رشد عقلی متناسبی برخوردار هستند، باید سعی کند که چنین عادات مهم و پرارزش را در آن‌ها به ثمر رساند. اولین گام در پیمودن این مراحل این است که معلم باید شاگردان را تشویق کند تا رفتار و تلاش‌های تحصیلی خود را از هرگونه شوایب پاک و پاکیزه نماید تا کوشش‌های خویش را در جهت الهی و انسانی و به‌منظور کسب رضای پروردگار محدود سازند. این یعنی روحیه تعبد و تقرب جویی به خداوند را در آنان احیا و تقویت کند. این خصیصه خداجویی و خدایابی اگر از دوران مدرسه و زمان تحصیل در وجود جوانان نهادینه شود، بسیار ارزشمند و دوامدار خواهد بود. ب. ایجاد شوق علمی و تعلیمی در شاگردان: معلم باید شاگرد خود را به علم و دانش تشویق نموده و در آنان شوق علمی ایجاد کند تا تلاش معلمی او ثمرات بهتری بدهد. اینکه شوق آموختن در دل شاگرد ایجاد شود، مزیت و برتری علم را درک کند، آینده علمی خود را ترسیم کند و برای رسیدن به اهداف والای علمی تلاش برنامه‌ریزی شده نماید، همه تلاش و تشویق معلم بستگی دارد که نباید دریغ ورزد.

۳-۶. ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی معلم نسبت به درس

الف. آراستن ظاهر برای تجلیل از جایگاه علم و معلم: حضور در محل تدریس با آمادگی لازم و ظاهری آراسته، از ویژگی‌های رفتاری معلم نسبت به درس است. قصد وی از آراستن ظاهر و توجه به پوشش و سر و وضع، باید برای تجلیل از علم و دانش و ارج نهادن به شریعت مقدس اسلام باشد نه خودنمایی و تظاهر. لذا باید لباسی بپوشد که وقار و متانت او را حفظ کرده و دل‌های ناظران را به وی جلب نماید. احادیثی که به ما رسیده است، همه حاکی از آن است که باید اعضای برجسته هر مجمع و مجلسی، لباسی بپوشند که وقار آفرین باشد.

ب. دعا و طلب توفیق از خداوند برای ارائه درس مفید: معلم باید وقت خروج خود از خانه، دعایی که از پیامبر اسلام (ص) روایت شده، بر دل و زبان جاری سازد و بگوید:



اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ، أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَ، أَوْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَنْ أُظْلَمَ، أَوْ أَنْ أَجْهَلَ أَوْ أَنْ يَجْهَلَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَعِلْمَنِي مَا يَنْفَعُنِي وَزِدْنِي عِلْمًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ دَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ؛ خدایا به تو پناه می‌برم که مبادا گمراه گردانم یا گمراه گردم، بلغزانم و یا بلغزم، ستم کنم یا ستم بینم، دیگران را به نادانی کشانم یا خود دچار آن گردم. خدایا آن‌که سر به جوار و همسایگی تو نهاد، سرفراز است و ستایش تو بس عظیم و شکوهمند است و جز تو کسی شایسته عبادت و بندگی نیست.

۷. ویژگی‌های منفی معلم

۱. طرح شبهات و بی‌پاسخ گذاشتن آن: استاد باید بر اساس ظرفیت فراگیران به طرح شبهات بپردازد. ممکن است طرح شبهه‌ای - اگرچه بدان پاسخ داده شود - به دلیل عدم تناسب با درک و دریافت فراگیران، اثرات تخریبی داشته باشد. گاهی ممکن است معلم شبهه‌ای را طرح کند؛ اما در پاسخ گفتن، تلاش یا وقت کمتری صرف کند و سریع از آن بگذرد. و این‌گونه، شبهه در ذهن فراگیران تثبیت می‌شود. (تمیمی، ۱۴۲۲: ۴۱۴) گاهی ممکن است استاد شبهه را طرح کند و پاسخ آن را به جلسه بعد واگذار نماید. این خطرناک‌ترین نوع طرح شبهه است؛ زیرا در فاصله زمانی تا جلسه بعد، ممکن است فراگیر دچار اشکالات عدیده‌ای شود و ناآرامی حاصل از شبهه او را آزار دهد یا آن را با دیگران در میان گذارد و دیگران به جای پاسخ، به تقویت اصل شبهه کمک کنند. یا در جلسه بعدی برخی از فراگیران غایب باشند یا استاد به هر دلیل نتواند در جلسه بعدی شرکت کند که همه این عوامل باعث شود که شبهه در ذهن فراگیران استقرار یابد و به راحتی نتوان بدان پاسخ داد. (نراقی، ۱۳۹۵: ۲۵۰)

۲. ذکر مطالب غیر یقینی: مطالب استاد باید مستند و یقینی باشد. گفتن عبارت گمان می‌کنم چنین باشد یا حدس من این چنین می‌گوید، مطالب درسی را با تردید همراه می‌سازد.

۳. توجیه اشتباهات: استادی که پاسخ سؤالی را نمی‌داند، نباید بدان پاسخ دهد، به خصوص سؤال کلامی یا فقهی که با اعتقاد یا عمل فراگیر همراه خواهد بود. اگر استاد به سؤالی پاسخ داد و سپس فهمید که آن پاسخ اشتباه بوده، باید اشتباه خود را بپذیرد، نه آن‌که آن را توجیه کند.

۴. جدال و رقابت با شاگردان یا توهین به آنان: استادی که با شاگرد خود جدال می‌کند، ابهت خویش را در معرض زوال قرار می‌دهد و استادی که ناخودآگاه توهین بر زبان می‌راند، خود را در معرض توهین شدن قرار می‌دهد.

۵. خجالت دادن شاگردان: انتقاد از شاگرد در جمع، قطع کردن سخن او، اجازسخن ندادن به او، توبیخ او در جمع و... همگی اسباب خجالت دادن شاگرد است که باید از آن پرهیز کرد.

۶. درگیری با مسئولین آموزشی: اگر برنامه‌ای تصویب شد باید اجرا شود و انتقادات باید در جوی دوستانه طرح گردد. طرح انتقاد از مسئولان آموزشی در کلاس درس و نزد فراگیران، سبب تضعیف برنامه و سلب اعتماد فراگیران از مرکز آموزشی می‌شود.

۷. خودستایی و غرور: تواضع استاد، بهترین درس او به شاگردان است. فضل فروشی، ذکر مکرر امتیازات با لحنی متکبرانه، خودبزرگ‌بینی، راه رفتن متکبرانه در کلاس و... همگی نشانه غرور استاد است که آثار ویران‌کننده‌ای به دنبال دارد.

۸. خودتحقیری: چنانکه تکبر مذموم است، تواضع ذلیلانه که نشانه خودکم‌بینی است، نیز مورد مذمت و نکوهش عالمان اخلاق است. (نراقی، ۱۳۹۵: ۲۵۰)

۹. طرح مسائل تشنج‌زا و اختلاف انگیز: رفتار استاد برای کودکان، نوجوانان و به خصوص جوانان الگوی عملی است. استاد در عمل کردن به گفته‌های خود، نحوه برخورد با دیگران، سخن گفتن و حتی طرز نشستن، راه رفتن و پوشیدن لباس می‌تواند برای شاگردان خود الگو باشد. پس سعی کند که در برخورد با شاگردان روش صمیمانه داشته باشد و رفتار که باعث تنفر و انزجار آنان می‌شود، انجام ندهد و نیز مسائل که تشنج و اختلاف را به وجود می‌آورد، هرگز مطرح نکند.

نتیجه‌گیری

اخلاق از نظر اسلام مقام و منزلت خاصی دارد که باید همهٔ مسلمانان به‌ویژه معلمان ارزش خاصی به آن قائل باشند؛ زیرا اخلاق اساسی‌ترین رکن زندگی جمعی است. به همین جهت اهمیت، کاربرد و ضرورت اخلاق در قرآن کریم که کتاب زندگی بشر است، بازتاب خاصی دارد. یکی از کسانی که داشتن و رعایت کردن اخلاق برایش ضروری است، معلم است؛ زیرا جامعهٔ مخاطب او، چون نهال تازه بسیار شکننده است. اگر معلم ظرافت‌های اخلاق قرآنی را برای مخاطبان خود به کار نگیرد، ممکن است به نتیجه مطلوب و هدف تعلیمی و تربیتی درست نرسد. رفتار استاد برای کودکان، نوجوانان و به‌خصوص جوانان الگوی عملی است. استاد در عمل نمودن به گفته‌های خود، نحوه برخورد با دیگران، سخن گفتن و حتی طرز نشستن، راه رفتن و پوشیدن لباس می‌تواند برای شاگردان خود الگو باشد. بنابراین باید پس سعی کند که برنامه‌هایی برای خودسازی اخلاقی و تربیتی خود داشته باشد، در برخورد با کودکان، نوجوانان و جوانان، اخلاق اسلامی را هم خودش رعایت کند و هم به آنان توصیه کند، از فضل فروشی، خودبزرگ‌بینی، خودکم‌بینی و آزردن شدن از نقد و ایراد دیگران به‌شدت پرهیز کند، اشتباهات خود را توجیه نکند و در رفع آن‌ها بکوشد، از تعصب بیجا اجتناب ورزیده و شهادت در گفتن «نمی‌دانم» را در خود تقویت کند، برای تقویت مهارت معلمی، بیشتر مطالعه کند تا دینی الهی و اجتماعی که به عهده او در تعلیم و تربیت نسل انسان گذاشته شده، به‌خوبی ادا شود.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. تمیمی، احمد بن علی (۲۰۰۲م)، *مسند ابی یعلی الموصلی*، بیروت: دارالفکر.
۲. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق: دارالقلم.
۴. زیدان، الدكتور عبدالکریم، (۱۴۲۴ق)، *اصول الدعوت*، تهران، نشر احسان.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۸)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، (ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی)، قم: جامعه مدرسین.
۶. طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *معجم الاوسط*، قاهره: دارالحرمین مکتبه وهبه.
۷. قراملکی، احد، (۱۳۸۸)، *درآمدی بر اخلاق معلم*، تهران: انتشارات سرآمد.
۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۱)، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران: انتشارات صدرا.
۹. نراقی، احمد، (۱۳۹۵)، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی با تأکید بر تربیت اخلاقی*، تهران: بی‌نا.